پیامبر اعظم(ص): وضو را کامل بگیر تا همچون ابر از صراط عبور کنی، با صدای آشکار سلام کن تا خیر و برکت خانه‌ات افزون شود و زیاد صدقه پنهانی بده که این کار خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

اخبار

روایت محمدرضا اصلانی از «نیشدارو» در موزه سینما

فیلم مستند «نیشدارو» به کارگردانی منوچهر انور سه‌شنبه ۸ اسفند با حضور محمدرضا اصلانی، مدرس و کارگردان سینما در موزه سینما نمایش داده می‌شود. این مستند که در قالب نمایش ویژه فیلم‌های مستند در موزه سینما تحت عنوان «شب‌های مستند» با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند روی پرده می‌رود، در هفتمین نشست شب‌های مستند، سه‌شنبه هشتم اسفند با حضور محمدرضا اصلانی اکران و مورد نقد قرار می‌گیرد. فیلم مستند «نیشدارو» درباره شرکت سرم‌سازی رازی است که فعالیت خود را در سال ۱۳۰۳ تحت نظارت وزارت کشاورزی وقت با تحقیقات پیرامون راه‌های مبارزه با بیماری طاعون گاوی شروع کرد و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین مراکز علمی و تحقیقاتی کشور شناخته می‌شود. منوچهر انور این فیلم مستند را در سال ۱۳۴۳ ساخته است.

دومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت برگزار شد

دومین نشست بین‌المللی موسیقی مقاومت با ارائه پیشنهادی مبنی بر تشکیل ارکستری مشترک بین هنرمندان کشورهای حوزه مقاومت برگزار شد. این نشست با موضوع «موسیقی مقاومت و الزامات آن» با حضور تعدادی از اساتید، پژوهشگران و موزیسین‌های داخلی و خارجی از کشورهای حوزه مقاومت اسلامی و شمال آفریقا از جمله محمود واعظی رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، فاطمی رئیس مرکز مطالعات و راهبردی ژرفا، فریدون باقری مدیرعامل موسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها، رفیعی رئیس اندیشکده رسانه و هنر ژرفا، مصطفی یوسف‌الداوی و مشارکت برخی استادان از کشورهای عراق، لبنان، فلسطین و تونس، به شکل برخط در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد. این نشست از سوی مرکز مطالعات راهبردی ژرفا، دانشکده الهیات دانشگاه تهران و مؤسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها برنامه‌ریزی شده بود.

امیدواری به برپایی دوباره جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در یزد

بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودکان و نوجوانان در یزد با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد.

در این مراسم که با حضور «محمود سالاری» معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اردکان یزد برگزار شد، سالاری اظهار امیدواری کرد این جشنواره سال آینده نیز در یزد برگزار شود.

وی با ابلاغ پیام وزیر به دست‌اندرکاران برگزاری این جشنواره، از همکاری مردم و مسؤولان و دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان در استان یزد تقدیر کرد. امیر مشهدی‌عباس، دبیر این جشنواره نیز طی سخنانی در این مراسم گفت: در ایام برگزاری جشنواره شاهد ۱۷۰ اجرا در ۱۰ سالن و بخشی به صورت خیابانی با هنرمندی ۴۵۰ هنرمند داخلی و خارجی بودیم. وی همچنین از برگزاری ۹ کارگاه آموزشی جهت انتقال تجربیات و دانش برای خلاقیت بهتر علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران جشنواره در جریان برگزاری این رویداد خبر داد.

بازیگر «جیمز باند» درگذشت

«پاملا سالم» بازیگر نقش خانم مانی پنی در فیلم «دیگر هرگز نگو هرگز» از سری فیلم‌های جیمز باند، در ۸۰ سالگی درگذشت. این بازیگر بریتانیایی که سال ۱۹۷۸ در فیلم جنایی «سرقت بزرگ قطار» در مقابل «شان کانری» نیز ایفای نقش کرده بود، سال ۱۹۴۴ میلادی در هند به دنیا آمد و در دانشگاه هایدلبرگ آلمان و مدرسه مرکزی سلطنتی و درام در لندن تحصیل کرد و سپس در چسترفیلد و یورک تئاتر فعالیت خود را آغاز کرد.

فیلم «دیگر هرگز نگو هرگز» یک فیلم جاسوسی محصول سال ۱۹۸۳ به کارگردانی «اروین کرشنر» است که بر اساس رمان «تاندربال» از سری داستان‌های «جیمز باند» در سال ۱۹۶۱ نوشته ایان فلمینگ، ساخته شده است. این فیلم با بودجه ۳۶ میلیون دلاری موفق به ثبت فروش ۱۶۰ میلیون دلاری در سراسر جهان شد. «پاملا سالم» همچنین در سریال درام آمریکایی «بال غربی» در نقش نخست‌وزیر بریتانیا و سریال «بخش فوریت‌های پزشکی» هم ظاهر شده بود و برای نقش‌های علمی - تخیلی‌اش در فیلم‌های «بلیک ۷»، «سه‌پایه‌ها» و «در هزارتو» نیز شناخته می‌شود. او در دهه ۱۹۹۰ به لس‌آنجلس نقل مکان کرد و سپس به میامی رفت و در سال ۲۰۲۰ در سریال «روبات‌های مرگ» از مجموعه سریال‌های «دکتر هو» در نقش توس در مقابل دکتر تام بیکر ظاهر شد.

قطعه «چشم به راه» با موضوع انتظار منتشر شد

خواننده قطعه «چشم به راه» درباره چگونگی شکل‌گیری این اثر گفت: این قطعه نخستین اثر بنده و درباره حضرت مهدی موعود(عج) و ظهور است که به مناسبت نیمه شعبان منتشر شد.

وی افزود: با توجه به دغدغه‌ها و نیتی که از قبل داشتم، به دنبال این بودم نخستین کارم را برای امام زمان(عج) منتشر کنم که خدا را شکر این اتفاق افتاد. این خواننده جوان اضافه کرد: این کار توسط من و تیمی حرفه‌ای با توجه به ارادت قلبی که نسبت به حضرت ولیعصر(عج) داشتیم تهیه شد تا ادای دینی هر چند ناقابل خدمت حضرت باشد و امیدوارم مورد قبول حضرت واقع شود.

وی درباره جزئیات گروه تولیدکننده این اثر هم عنوان کرد: زحمت ترانه کار را سیدجواد پرئی کشید که برای بنده همکاری با ایشان خیلی باعث افتخار بود، چرا که ایشان یکی از شعرای خوب آیینی کشور است که سال‌هاست در این حوزه فعالیت دارد و در این قطعه مثل یک مشاور کنار من بود. موسیقی و تنظیم کار هم توسط علی وانیار انجام شد.

نگاهی به روند قاچاق فیلم در سینمای ایران و واکنش مسؤولان سینمایی

سونامی قاچاق

محمد محمدی: قصه پرغصه قاچاق فیلم‌های ایرانی ۳ دهه است گریبان سینمای ایران را گرفته است. ماجرا از اوایل دهه ۷۰ شروع شد؛ روزگاری که نه اعتراضی به این روند بود و نه واکنش چندانی در سطح رسانه‌ها مشاهده می‌شد به طوری که تنها به نظر می‌رسید بیرون دادن نسخه غیرقانونی، روشی برای زمین زدن فروش و عدم بازگشت سرمایه سرمایه‌گذار است! اما طی سال‌های اخیر بویژه ۲ سال گذشته داستان عوض شد و شاهد قاچاق سازمان‌یافته فیلم‌ها آن هم با هدف زمینگیر شدن سینمای ایران هستیم به طوری که به نظر می‌رسد گروهی هدفمند عزم خود را جزم کرده‌اند تا ریشه سینمای ایران را بزنند. در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری این روند، وضعیت قاچاق فیلم‌ها به گونه‌ای بود که در روز دوم اکران یک فیلم، سی‌دی غیرمجازش درست کنار سینمای اکران‌کننده‌اش به فروش می‌رسید. «اکران پیاده‌رو» آنقدر رونق یافت و تهدید سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان شدت گرفت که همه وارد میدان شدند؛ از سینماگران تا نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی تا بلکه ریشه قاچاق خشکانده شود.

مساله قاچاق با پیگیری‌های فراوان در آن سال‌ها به صورت مقطعی حل شد ولی نه تنها هیچ وقت ریشه‌کن نشد، بلکه سختگیری‌های غیرضرور چماقی شد بر سر تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران. در واقع تنها راه رسیدن به مرحله اکران رعایت موارد یا بهتر بگوییم سختگیری‌های بی‌مورد و بی‌جا شد تا امروز برخلاف دهه‌های ۷۰ و ۸۰ آتش سرمایه‌سوز قاچاق، نه تنها دامن تهیه‌کنندگان که دامن کل سینمای ایران را بگیرد.

معضل قاچاق فیلم به همان سی‌دی‌های پیاده‌رویی ختم نشد و با فراگیر شدن شبکه نمایش خانگی و پخش یک فیلم در این شبکه، تنها چند ساعت کافی بود تا شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان اقدام به پخش این آثار کنند و با این کار به بازار شبکه نمایش خانگی هم لطمه بسیاری زده شد؛ رویه‌ای که در انتهای دهه ۹۰ با قوت و قدرت فراوانی همچنان ادامه داشت آن هم نه کنار پیاده‌رو و در شبکه‌های ماهواره‌ای که این بار در فضای مجازی به طوری که هر کسی با تلفن همراه هوشمندش نسخه‌های قاچاق را در کمتر از چند دقیقه دانلود و تماشا می‌کرد!

«شب‌های زاینده‌رود»، «نوبت عاشقی»، «آدم برفی»، «مارمولک»، «اخراجی‌ها»، «سنتوری»، «عصبانی نیستم»، «فروشند»، «پنجاه کیلو آلبالو»، «متری شیش و نیم» و «رحمان ۱۴۰۰» تنها بخشی از آثار شاخصی هستند که طی ۳ دهه گذشته قاچاق شدند؛ مساله و چالشی که با ورود به دهه جدید روز به روز افزایش یافت و به نوعی سونامی‌ای از قاچاق فیلم‌ها به راه افتاد. بعد از فیلم «تفریق» مانی حقیقی، فیلم‌های «رادتمند، نازنین، بهاره، تینا» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی، «بی‌رویا» به کارگردانی آرین وزیردفتری، «اورکا» به کارگردانی سحر مصیبی، «برادران لیلا» به کارگردانی سعید روستایی و هم اکنون نیز «شب، داخلی، دیوار» به کارگردانی وحید جلیلوند - و احتمالا طی روزهای آینده «کیک محبوب من» به کارگردانی بهتاش صناعی - را باید به عنوان آثار قاچاق شده طی چند وقت اخیر نامید. اما آنچه قاچاق این آثار را با نمونه‌های مشابه در ۳ دهه گذشته متمایز کرده، عدم شکایت سازندگان از انتشار غیرقانونی فیلم‌هاست! در کمال تعجب اغلب سازندگان و صاحبان آثار به نوعی با اعلام رضایت یا حداقل عدم شکایت با قاچاق آثارشان برخورد کرده‌اند! اما بدون شک آنچه مشخص است اینکه جریان قاچاق در دهه‌های گذشته همواره مبتنی بر ضربه زدن به تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار بوده اما اکنون با عدم شکایت یا در برخی موارد رضایت صاحبان بیش از آنکه سرمایه اثر ضربه بخورد، سینمای ایران است که متضرر می‌شود یا به نوعی زمینگیر خواهد شد. از همین رو این گزاره را که انتشار غیر قانونی این فیلم‌ها هدفی جز ضربه زدن و زمینگیر کردن سینمای ایران ندارند، باید صحیح‌ترین گزینه پیرامون این چالش دانست؛ سینمایی که طی ۲ سال گذشته با اقدامات بزرگی چون انقلاب سالن‌سازی در سراسر کشور، احیا و رشد روزافزون مخاطب ، رشد تولید آثار، هدفمند شدن رویدادهای سینمایی، تنوع ژانر و موارد بسیاری دیگر که طبیعتا برای برخی جریانات ناخوشایند است، در مسیر تعالی قرار گرفته است.

سازمان سینمایی تاکنون چندان موضع خاصی پیرامون این موضوع نگرفته است به گونه‌ای که محمد خزاعی، سکاندار سینمای ایران در بازدید از نمایشگاه رسانه با اشاره به وضعیت قاچاق فیلم‌ها اظهار داشت: اگر صاحبان آثار درباره انتشار غیرقانونی فیلم‌شان به ما مراجعه کنند، ما از طریق مجاری قضایی و امنیتی حتما پیگیری می‌کنیم و با عوامل آن برخورد می‌کنیم اما بعضا مواردی پیش می‌آید که خود صاحبان آثار شکایتی نزد سازمان سینمایی نمی‌آورند و اصولا بحثی در این باره ندارند، چرا که خودشان می‌دانند اثرشان به چه صورتی منتشر شده است.

بعضا درباره آثاری که به صورت غیرقانونی پخش شده ما پیگیری کردیم و حتی مشخص شده نخستین پلتفرم یا سایت منتشرکننده کجا بوده و حتی صاحب آن سایت چه کسی بوده است. برخی فیلم‌ها نیز مسائل مربوط به ساخت و تولیدشان داخلی نیست و مربوط به تهیه‌کنندگان خارجی است که باز به حیطه کاری ما مربوط نمی‌شود. شاه‌بیت جمله محمد خزاعی جمله «به حیطه کاری ما مربوط نمی‌شود» است. عبارتی که کاملا روشن می‌کند از منظر مدیران سازمان سینمایی، ثبت رکورد بیشترین قاچاق فیلم طی ۲ سال گذشته در مقایسه با ۴ دهه گذشته چندان محلی از اعراب ندارد، در حالی که با توجه به شواهد موجود، سونامی راه افتاده صرفا برای زمینگیر کردن سینما و ایجاد پروپاگاندای رسانه‌ای علیه اقدامات موثر، ماندگار، اصولی و اساسی سازمان سینمایی طی ۲ سال گذشته است.

اما نکته زمانی بغرنج‌تر می‌شود که بی‌تفاوتی سازمان سینمایی، در گفت‌وگوی حبیب ایل‌بیگی رنگی از توجیهات به خود می‌گیرد. این مدیر سینمایی پیرامون آثار قاچاق‌شده همانند خزاعی به نوعی عبارت «به حیطه کاری ما محسوب نمی‌شود» را در قالب‌های متفاوتی بیان کرده است.

او درباره آثار و توجیه این موضوع که قاچاق چندان به ما مربوط نمی‌شود، گفت: فیلم «برادران لیلا» هم وقتی در «وی‌اودی»ها پخش شد، طبیعی بود که پخش شود. البته شبکه‌های ماهواره‌ای متریال اصلی فیلم را داشتند. آنها از روی «وی‌اودی» کپی نکرده بودند، چون کپی کیفیت فنی را کاهش می‌دهد. عوامل فیلم «تفریق» می‌خواستند در تابستان نمایشش بدهند. نظر ما این بود در ماه‌های بعد مثلا فصل پاییز اکران شود که شرایط بهتری وجود داشته باشد. غیر از دست‌اندرکاران فیلم و عوامل لابراتوارها و استودیوها و جشنواره‌های خارجی و عرضه‌کنندگان فیلم در داخل و خارج، متریال فیلم در اختیار هیچ‌کس دیگری نیست. آن متریال دست همین عوامل است که ارتباط مستقیمی با مالکان فیلم دارند. وی همچنین پیرامون فیلم «بی‌رویا» نیز اظهار داشت: در چند ماه گذشته چندین بار گفته‌ایم بیایید «بی‌رویا» را اکران کنید اما تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار گفته‌اند ما به دلیل هزینه‌های بالای اکران، فیلم را به یک «وی‌اودی» واگذار کرده‌ایم. همان‌طور که آقای وزیر گفته‌اند این فیلم‌ها قبل از مساله‌دار شدن عوامل ساخته شده و همه تشریفات قانونی را طی کرده‌اند. پروانه ساخت و نمایش گرفته‌اند و اصلاحات را انجام داده‌اند. اکران حق طبیعی‌شان است. حق طبیعی سازندگان نباید ضایع شود. اینکه فیلم با متریال خوب لو رفته، برای ما هم جای سوال است. چند روز پیش، نماینده‌ای از سازمان سینمایی جلسه‌ای با پلیس فتا داشته است. آنها قول داده‌اند به لحاظ فنی پیگیری کنند که منشأ لو رفتن فیلم کجا بوده است. ما به دادستانی هم برای پیگیری این موضوع نامه نوشتیم.

«رادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» هم که کارگردان فیلم که یکی از سرمایه‌گذاران است، چندین بار اعلام کرده بود من این فیلم را پخش می‌کنم. ما داریم موضوع را بررسی می‌کنیم ولی وقتی خودش اعلام کرده، باید به موضوع دیگری فکر کرد؟

در هر صورت آنچه مشخص است و همان‌طور که پیش‌تر بدان اشاره کردیم، رنگ و بوی قاچاق در ۲ سال گذشته به مراتب متفاوت‌تر از دهه‌های گذشته است و نمی‌توان با شیوه اینکه به حیطه کاری ما مربوط نیست، جلو رفت اما آنچه مهم است اینکه پروپاگاندای رسانه‌ای جریان مخالف دولت به مراتب قوی‌تر و موثرتر از بازوهای رسانه‌ای سازمان سینمایی هستند و قطعا در آینده یکی از بخش‌هایی که از سوی جریان مقابل مورد حمله و هجوم قرار خواهد گرفت، موضوع ثبت رکورد قاچاق فیلم طی سالیان اخیر است؛ چالشی که به کرات از سوی سازمان سینمایی به نوعی نشان داده شده که امری کاملا بی‌اهمیت است؛ در حالی که در آینده‌ای نه چندان دور دستمایه زدن نه تنها سازمان و وزارت ارشاد، بلکه حتی دولت خواهد شد. از همین رو انتظار می‌رود تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران سازمان سینمایی پیرامون خواب دیده شده برای‌شان چاره‌ای بیندیشند، زیرا قطعا این هجوم نه صرفا سازمان سینمایی و وزارت ارشاد، بلکه دولت سیزدهم را هدف قرار خواهد داد.

به بهانه درگذشت پرویز ربیعی، هنرمند پیشکسوت دوبله ایران

صداهای ماندگار، یکی پس از دیگری می‌روند

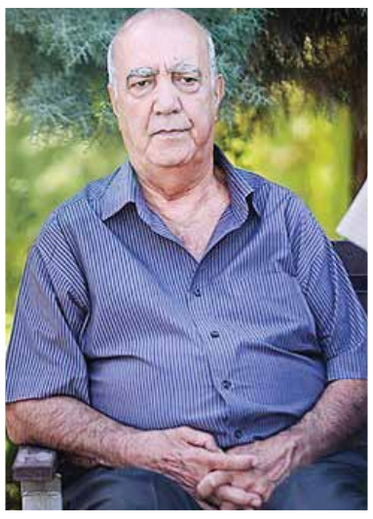

گروه فرهنگ و هنر: سال ۱۴۰۲ در حالی به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود که طی سال‌های اخیر صداهای ماندگار یکی پس از دیگری دار فانی را وداع کرده‌اند؛ صداهایی که هرگز جایگزینی برای‌شان پیدا نشده و با این اوصاف هنر دوبله کشور بدون شک سال‌های بعد دوران کم‌فروغی را تجربه خواهد کرد. هنر دوبله ایران که روزگاری در دنیا حرف اول را می‌زد، امروز در شرایطی به سر می‌برد که ستاره‌های درخشانش یکی پس از دیگری از دنیا می‌روند و این هنر ماندگار از بزرگ و بزرگ‌تر تهی می‌شود. اینکه مسؤولیت دوبله و سر و سامان دادن به آن با کدام دستگاه و نهاد است بماند ولی آنچه اکنون دوبله کشور تجربه می‌کند، بدون اغراق یکی از بی‌کیفیت‌ترین دوران‌هاست. تنها کافی است به درد دل معدود بزرگان و پیشکسوتان باقیمانده در این حوزه توجه شود تا وضعیت اسفناک دوبله کشوری که روزگاری بر قله دنیا قرار داشت، روشن و مشخص شود. متاسفانه حضور بازیگران سینمایی یا بهتر بگوییم چهره‌های سینمایی و خوانندگان موسیقی پاپ برای جذب مخاطب و تولید آثار بی‌کیفیت دوبله از جمله دلایل این روند نزولی است.

در این اوضاع و احوال خبر درگذشت «پرویز ربیعی» از ماندگارترین دوبلورهای کشور نیز مزید بر علت شد تا در روزهای پایانی سال، بیشتر و بیشتر متوجه خلأ موجود در این عرصه شویم. پرویز ربیعی از جمله پیشکسوتان عرصه دوبله شامگاه شنبه ۵ اسفند در منزل خود بر اثر ایست قلبی در ۸۴ سالگی درگذشت. او از مهم‌ترین گویندگان نقش‌های مکمل در تاریخ دوبله ایران و در ارائه شخصیت‌ها و تیپ‌های مختلف و متضاد، بسیار توانا بود. ربیعی در فیلم‌های بسیاری به جای بازیگران صحبت کرد؛ آثاری که هر کدام جزو ماندگارترین فیلم‌های تاریخ سینما شدند و در خاطره نسل‌های پا به سن گذاشته امروز همچنان پررنگند. جورج سی اسکات در «بیلیارد باز»، استیو مک کوئین در «دزدی سنت لویی»، دیوید چیانگ در «مبارزی از شان تونگس»، فردریک فورست در «اینک آخرالزمان»، کائوچیو در «جنگجویان کوهستان»، ژاور در کارتون «بینوایان» و پدر پسر شجاع در کارتون «پسر شجاع» از جمله شخصیت‌هایی بودند که ربیعی به جای آنها حرف زده بود. ربیعی همواره در دوران حیاتش به کرات خود را مدیون خسرو خسروشاهی دانسته و او را عامل حضورش در عرصه دوبله می‌دانست؛ هنرمند مستعد و جوانی که تنها دوبله در یک نقش کوتاه در یک فیلم وسترن برایش کافی بود تا در نخستین حضور جدی‌اش در استودیو مسترفیلم به جای «رابرت دووال» در فیلم سینمایی پدرخوانده صحبت کند و همین نقش باعث ماندگاری‌اش در عرصه دوبله کشور شد. یکی از ویژگی‌های ربیعی رل‌های فرعی و مکملی بود که گویندگی‌شان را انجام داده بود به طوری که خودش اذعان داشت بیش از ۸۰ درصد آثارش نقش‌های فرعی و مکمل بوده است. او در تمام سال‌هایی که در عرصه دوبله حضور داشت و همواره به عنوان یکی از صداهای ماندگار شناخته می‌شد، هرگز تمایلی برای ورود به عرصه مدیریت دوبلاژ نداشت اما خودش دلیل این عدم علاقه را اینگونه توصیف کرده: «به ۲ دلیل هیچ‌وقت تمایلی نداشتم مدیر دوبله باشد؛ دلیل اول اینکه فکر کنید قرار است فردا با مدیریت من، فیلمی دوبله شود که ۱۵ گوینده دارد. شب یک گوینده زنگ می‌زند که من فردا نمی‌توانم بیایم یا همان فردا یک گوینده ۲ ساعت دیر می‌آید و وقتی علتش را بپرسم، قرار است بگوید من رفته بودم بانک یا بیمارستان. این اتفاقات من را ناراحت می‌کند به همین دلیل قبول مسؤولیت نکردم که عصبانی شوم و برای خودم دشمن بتراشم. از نظر زمانی دقیق هستم و این دیرکردها یا انجام دادن کارهای شخصی به جای کار گروهی را بی‌احترامی به دیگر گوینده‌ها می‌دانم. دلیل دومش به خاطر قیمت و دستمزد کار گوینده‌ها بود. به هر حال وقتی از استودیو بیرون می‌روم و می‌خواهم به خانه بروم، نمی‌توانم عذاب وجدان داشته باشم. حالا وقتی دارم خوب کار می‌کنم، چه احتیاجی است مدیردوبلاژی کنم تا کلی حرص و جوش را به جان بخرم یا بخواهم خودم را درگیر سینک و وسواس رعایتش توسط گوینده‌ها کنم؟» بدون تردید آنچه در صحبت‌ها و گفت‌وگوهای مرحوم ربیعی کاملا مشخص و محرز است، تعهدی بود که بلکه برای تمام همنسلانش وجود داشت. حال آنچه در پی درگذشت صداهای ماندگار کاملا به چشم می‌آید، خالی شدن این عرصه از بزرگ و بزرگان است تا دیگر نه خبری از نسل طلایی دوبله باشد و نه امیدی به بهبود روند این هنر بااصالت.

در پنجمین نشست اکران، نقد و بررسی فیلم تئاتر «دیکته» به کارگردانی داوود رشیدی مطرح شد

هنرمندی که زیر بار سانسور در دوره پهلوی نرفت

گروه فرهنگ و هنر: داوود رشیدی وقتی به فرانسه رفت، قرار بود علوم سیاسی بخواند اما در فرانسه علاوه بر علوم سیاسی، تئاتر خواند و وقتی به ایران برگشت، تبدیل به یکی از مطرح‌ترین بازیگران و کارگردانان تئاتر و سینما شد. این هنرمند که اواخر دهه ۴۰، بازیگری و کارگردانی را در سینما و تئاتر با حضور و کارگردانی در آثاری چون «آنتیگون»، «الکترا»، «کاپیتان قراگز»، «می‌خواهید با من بازی کنید»، «مستاجر»، «شاه داوود»، «پروازبندان»، «دیکته» و «زاویه» در تئاتر و فیلم‌هایی چون «تجاوز» ساخته حمید مصداقی و نویسندگی بهزاد فراهانی آغاز کرد، تا قبل از انقلاب در ۱۲ فیلم سینمایی از جمله «فرار از تله» جلال مقدم، «کندو» فریدون گله، «جهنم به اضافه من» محمدعلی فردین، «میعادگاه خشم» سعید مطلبی و «قدغن» علیرضا داوودنژاد هنرنمایی کرد. بدون شک اما یکی از بهترین آثاری که این هنرمند روی صحنه برد، نمایش «دیکته» نوشته غلامحسین ساعدی بود که همواره به عنوان ماندگارترین اثرش در کارنامه فعالیت‌های او به یادگار مانده است. از همین رو در پنجمین نشست اکران و نقد «فیلم تئاتر» در خانه هنرمندان ایران به همت انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر با حضور احترام برومند، عباس غفاری و افشین خورشیدباختری این نمایش اکران و مورد نقد و بررسی قرار گرفت؛ نمایشی که سال ۴۹ به مدت ۶۰ دقیقه در تالار سنگلج روی صحنه رفته بود. در ابتدای این نشست، عباس غفاری با اشاره به دلایل برگزاری این نشست‌ها و ایجاد راه‌های گفت‌وگو در تئاتر گفت: سال‌هاست تلاش می‌کنیم از یک جامعه تک‌صدایی نجات پیدا کنیم. چه چیز بهتر از تئاتر می‌تواند سبب دیالوگ و گفت‌وگو بین ما شود و شرایط را برای این اتفاق مهیا کند؟ یکی از اهداف سلسله جلسات نمایش «فیلم تئاتر» نیز همین موضوع است. احترام برومند در ادامه این نشست گفت: من منتقد تئاتر نیستم و صحبت‌هایم نیز نقد تئاتر نیست. این نمایش برایم خاطره‌ای بسیار زیبا از نخستین سالی است که ازدواج کرده بودم. همه اسامی تیتراژ این اثر برایم آشنا بودند؛ همگی اساتیدی بودند که کار خود را خیلی خوب بلد بودند و آن را به بهترین شکل انجام می‌دادند.